

بررسی چارچوب پیاده‌سازی هومص در ورزش

«چارچوب پیاده‌سازی هوش مصنوعی در یکپارچگی فرهنگی و اجتماعی در ورزش» عنوان جدولی با چهار ستون: فاز، توضیحات، اقدامات کلیدی و نتیجه است که ده مرحله فعالیت را در یک صفحه از فایل اکسل فهرست کرده است. این برنامه عملیاتی را بررسی کرده و نکات زیر را برای ارتقای آن پیشنهاد می‌نماید.

۱. فاز اول

نکته: در مرحله پایش و ارزیابی اولیه به «ارزیابی نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ورزش» اشاره شده است، اما روشن نیست چگونه و با چه روش‌هایی می‌توان این نیازها را سنجید.

پیشنهاد: با توجه به دشواری شناخت نیازهای اجتماعی که مسئله‌شناسی را به دانش و مهارتی مستقل تبدیل کرده، بهتر است در چند کلمه بیان شود این افکارسنجی در چه مقیاسی، با چه روشی، چه ابزارهایی و چگونه انجام خواهد شد. زیرا قطعاً می‌تواند هم در موفقیت طرح و هم تخمین بودجه و هزینه تأثیرگذار باشد.

۲. فاز دوم

نکته: در سطر دوم برای تعریف اهداف صرفاً عبارت «تعیین اهداف» به صورت کلی در تمامی ستون‌ها ذکر شده است. در حالی که بالاخره نگارش این چارچوب باید چند هدف آرمانی و نخستین و البته بلندمدت داشته باشد.

پیشنهاد: لازم است اهداف اصلی طرح با معیارهایی قابل سنجش تعریف شوند، تا در این گام و پس از اجرای آن بتوان اهداف جزئی‌تر را با استفاده از مسئله‌شناسی گام پیش در ذیل این اهداف اصلی و آرمانی پیدا کرد. مثلاً بیان شود: یکی از اهداف اصلی طرح این است که در طی یک‌سال آمایش ورزشی در کشور تحقق یابد، به این معنا که با کمک هوش مصنوعی مشخص شود کدام مناطق ایران در چه ورزش‌هایی توانمندی و استعداد بیشتری دارند، تا برنامه‌های ورزشی متناسب در آن منطقه تقویت گردد، مانند: تناسب ورزش کشتی با منطقه مازندران.

۳. فاز ششم

نکته: به حساسیت‌های فرهنگی به دقت اشاره شده است و این مطلب مهمی است. می‌دانیم که مسئولان ورزشی تبعیت کاملی معمولاً از قوانین ندارند و پیوسته بر روش‌های غیرمعارف در مدیریت ورزشی اصرار می‌ورزند.

پیشنهاد: یکی از مراحل مهم در این چارچوب قطعاً تحقیقات میدانی برای شناسایی این حساسیت‌ها خواهد بود، پیش از طراحی ابزارها و جمع‌آوری داده‌ها. یعنی پس از مشخص شدن اهداف، لازم است در تمامی رشته‌های ورزشی و فدراسیون‌ها مطالعاتی گسترده صورت گیرد، تا مشخص شود چگونه می‌توان آن‌ها را ملزم به استفاده از دستاوردهای هوش مصنوعی نمود. در غیر این صورت محصول این برنامه نمی‌تواند اجرایی شود. نتیجه این مطالعات فرهنگی و پیش‌بینی ریسک‌های اجرایی، دستیابی به راهبردها و راهکارهایی خواهد بود که تحقق چارچوب را تضمین کند.

۴. فاز نهم

نکته: «ارزیابی بازخوردها در تأثیرگذاری فرهنگی هوش مصنوعی» صرفاً با «برگزاری جلسات نظرسنجی و جمع‌آوری بازخورد» حاصل نمی‌شود. ورود هوش مصنوعی به مدیریت فرهنگی-اجتماعی ورزش به یک تحول اجتماعی منجر می‌شود. این تحول اجتماعی را چطور می‌شود ارزیابی کرد؟

پیشنهاد: باید روشن شود که مقیاس ارزیابی موفقیت این طرح «کف جامعه» است. روش‌هایی مانند تحقیقات میدانی، طراحی پرسشنامه‌ها، جمع‌آوری اطلاعات از روزنامه‌ها، سایت‌ها و برنامه‌های ورزشی رسانه ملی، در کل از رهاورد بررسی اخبار و منابع آماری است که می‌توان موفقیت یا شکست این برنامه را معین کرد.

۵. فاز دهم

نکته: مقیاس‌های زمان، مکان، تخمین بودجه، نهاد مسئول و چنین مواردی مورد توجه نبوده است. از این رو، برای ارزیابی و توسعه آن هیچ دیدگاه و رویکرد اولیه‌ای وجود ندارد.

پیشنهاد: بهتر است یک تخمین اولیه از موارد فوق ارائه شود. مثلاً این برنامه پس از اجرا در سال اول و در مقیاس سه استان کشور، با بودجه‌ای حدود پانصد میلیون تومان، تحت نظارت وزارت ورزش و جوانان، ارزیابی شده و پس از مشخص شدن نواقص طرح و اصلاح آن، در گستره بیشتری از مناطق کشور عملیاتی خواهد شد. گزارش سالانه این طرح در پایان هر سال به صورت عمومی منتشر خواهد شد.

۶. چارچوب

این طرح به طور کلی روند خوبی دارد، اما مشخص نیست در چه چارچوب و بر چه مبنایی تنظیم شده است. برای برنامه‌ریزی و طراحی پروژه‌های کوچک و بزرگ روش‌هایی مرسوم و معمول وجود دارد که هیچکدام با «چارچوب» آغاز نمی‌شوند. تجربه نشان داده استفاده از این روش‌های معمول، **۱** هم احتمال دستیابی به موفقیت در طراحی را افزایش می‌دهد و **۲** هم امکان تفاهم میان برنامه‌ریزان را که با این روش‌ها مأنوس هستند. یک طرح استاندارد از توصیف یک ضرورت آغاز می‌شود. باید نقصی در وضعیت فرهنگی ورزشی کشور به‌خوبی توصیف شود، در ابتدا. سپس معلوم شود که هوش مصنوعی چطور می‌تواند برای رفع این نقص یاری برساند. چشم‌اندازی ارائه شود که چند سال دیگر چه انتظاری از وضعیت فرهنگی-اجتماعی ورزش در ظل هوش مصنوعی خواهیم داشت. اهداف آرمانی و سپس با استفاده از مدل‌های مرسوم مانند: سوات، اصول راهبردی از رهاورد بررسی محیط اجتماعی در مقایسه با وضعیت فعلی ورزش در کشور استخراج گردد. پس از اتمام این مراحل است که می‌توان یک برنامه مثلاً ده مرحله‌ای یا در ده فاز تولید نمود. اگر هم مشکل در نگارش همین موارد باشد، نیاز به یک پروژه برای «تولید طرح بهره‌گیری از هوش مصنوعی در ورزش» است، تا چشم‌انداز و سیاست‌ها و اهداف و راهبردها و برنامه‌ها در ذیل این پروژه تولید شود. در کل، روشن نیست «چارچوب» در کجای برنامه‌ریزی و طراحی پروژه قرار دارد و جدول ارائه شده در قالب یک طرح استاندارد نمی‌گنجد.

